

عنوان مقاله:

تحلیل منطق شخصیت رئالیستی در رمان «سرخ و سیاه» استاندال

محل انتشار:

پژوهشنامه ادبیات داستانی، دوره 10، شماره 4 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

ویدا دستمالچی - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

حسین طاهری - فارغ التحصیل دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

خلاصه مقاله:

یکی از درخشان ترین آثار رئالیستی قرن نوزدهم فرانسه، رمان سرخ و سیاه استاندال است که براساس قواعد رئالیستی، رابطه تنگاتنگ جامعه با فرد و تاثیر عمیق این رابطه بر سرنوشت فرد را نشان می دهد. شخصیت اصلی رمان، ژولی ین سورل پسر خانواده سورل نجار از طبقه پایین است که در مقاطع مختلف زندگی اش برای ایجاد تغییرات و رسیدن به شرایط مطلوب با عشق، زیاده خواهی و هوش سرشارش هرچه تلاش می کند، عواملی قوی تر مانند طبقات اشراف، سرمایه داران و صاحبان نفوذ، محیط های بزرگتر، افراد زورمند یا تاثیرگذار نتیجه تلاش های او را نابود می کنند و ژولی ین مجبور می شود در جدال بین ضعیف ماندن یا طغیان کردن، گزینه دوم را انتخاب کند و با گیوتین اعدام شود. نتایج تحلیل نشان می دهد انتخاب شخصیت رئالیستی محصول جبری کاملاً اجتماعی و خانوادگی است. هدف پژوهش تحلیل کنش ها و انفعالات شخصیت اصلی براساس مجموعه عوامل اجتماعی و ترسیم منطق شخصیت رئالیستی، بر پایه توصیف و تحلیل محتوای رمان است. روش مطالعه در این پژوهش توصیفی تحلیلی و بر مبنای منابع کتابخانه ای و تحلیل داده هاست.

کلمات کلیدی:

استاندال، سرخ و سیاه، رئالیسم، منطق شخصیت، عوامل اجتماعی و خانوادگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1425761>

